202827 ـ حکمت مشروعیت زدودن موهای موی شرمگاه و زیر بغل

سوال

دلیل تراشیدن موی زیر ناف و زیر بغل چیست؟ و در زمان پیامبر صلی الله علیه وسلم این موها را با چه چیزی می‌تراشیدند؟ و آیا کوتاه کردن کافی است یا حتماً باید از ته تراشید؟

پاسخ مفصل

الحمدلله.

اولاً:

سنت بر مشروعیت زدودن موی عانه (زهار) و زیر بغل دلالت دارد؛ بخاری (۵۸۸۹) و مسلم (۲۵۷) از ابی‌هریره رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت کرده‌اند که فرمودند: «فطرت پنج چیز است یا پنج چیز از فطرت است: ختنه، تراشیدن موی شرمگاه (عانه)، کوتاه کردن ناخن‌ها، کندن موی زیر بغل، و کوتاه کردن سبیل».

و حکمت ـ والله اعلم ـ از مشروعیت زدودن این موها از این دو موضع، این است که در زدودن آنها، دستیابی به نظافت کامل و از بین بردن بوی ناخوشایندی است که ممکن است در صورت باقی گذاشتن مو ایجاد شود، و مصالح دیگر و حکمت‌های بزرگی نیز در آن وجود دارد.

حافظ ابن حجر رحمه الله می‌گوید: «و به این خصلت‌ها (یعنی خصلت‌های فطرت) مصالح دینی و دنیوی‌ای مرتبط است که با تتبع و بررسی درک می‌شود، از جمله: آراستن ظاهر، پاکیزگی بدن به طور کلی و جزئی، احتیاط برای دو طهارت [وضو و غسل]، نیکی کردن به معاشران و نزدیکان با جلوگیری از آنچه آنان را با بوی ناخوشایند آزار می‌دهد، مخالفت با نمادهای کفار از جمله مجوس و یهود و نصاری و بت‌پرستان، اطاعت از امر شارع، و محافظت از آنچه فرمودهٔ حق تعالی به آن اشاره دارد: وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوَرَكُمْ [غافر: ۶۴] (و شما را صورتگری کرد و صورتتان را نیکو آفرید)؛ زیرا محافظت بر این خصلت‌ها با این آیه تناسب دارد، و گویی گفته شده است: صورت‌های شما نیکو آفریده شده، پس آن را با آنچه زشتش می‌کند، خراب نکنید، یا بر آنچه زیبایی آن را استمرار می‌بخشد، محافظت کنید. و در محافظت بر آنها، محافظت از مروت و جوانمردی و از الفت مطلوب است، زیرا انسان هرگاه با ظاهری زیبا نمایان شود، بیشتر موجب گشاده‌رویی و تمایل نفس به سوی او می‌شود، پس سخنش پذیرفته و رأیش ستوده می‌شود، و برعکس آن نیز صادق است». فتح الباری.

ثانياً:

مشهور در زمان پیامبر صلی الله علیه وسلم این بود که آنان برای تراشیدن از «موسی» (تیغ/استره) استفاده می‌کردند. (موسیٰ ابزار فلزی و تیزی است که برای تراشیدن و زدودن مو به کار می‌رفت).

بخاری (۵۰۷۹) و مسلم (۷۱۵) از جابر بن عبدالله رضی الله عنهما روایت کرده‌اند که گفت: ما با رسول الله صلی الله علیه وسلم در غزوه‌ای بودیم، پس چون به مدینه رسیدیم، خواستیم وارد شویم، ایشان فرمودند: «صبر کنید تا شب‌هنگام ـ یعنی وقت عشا ـ وارد شویم تا زن ژولیده موی شانه کند، و زنی که همسرش غایب بوده، موی [زائد] خود را بتراشد».

حافظ ابن حجر رحمه الله در فتح الباری می‌گوید: «یعنی زنی که همسرش از او دور بوده است، و منظور زدودن مو از اوست، و با واژۀ «استحداد» (تراشیدن با تیغ) تعبیر شده؛ زیرا این روش غالب برای زدودن مو بوده است، و در این حدیث منعی برای زدودن آن با غیر از تیغ وجود ندارد».

و بخاری (۳۹۸۹) ـ در داستان خبیب بن عدی رضی الله عنه ـ روایت کرده است که در آن آمده: «تا اینکه برای کشتن او ـ یعنی خبیب ـ اجماع کردند، پس او از یکی از دختران حارث، تیغی را برای تراشیدن موهای زائدش عاریه گرفت، و او نیز به او عاریه داد...» الحدیث.

و در مسند الإمام أحمد (۲۶۷۰۵) از حدیث معمر بن عبدالله رضی الله عنه ـ و در آن آمده ـ: پس چون رسول الله صلی الله علیه وسلم قربانی خود را در منا نحر کردند، به من امر کردند که سرشان را بتراشم، گفت: تیغ را گرفتم و بالای سرشان ایستادم، گفت: پس رسول الله صلی الله علیه وسلم به چهره‌ام نگریستند و به من فرمودند ای معمر: «رسول الله صلی الله علیه وسلم نرمۀ گوشش را در اختیار تو قرار داده، در حالی که تیغ در دست توست» الحدیث.

ثالثاً:

سنت در مورد موی عانه، تراشیدن است، و اما موی زیر بغل، سنت در آن کندن است. اگر شخص به کوتاه کردن اکتفا کند، اشکالی ندارد، اما خلاف اولویت [و کار بهتر] است.

ابن قدامه رحمه الله می‌گوید: «و استحداد: تراشیدن عانه است. و این کار مستحب است؛ زیرا از فطرت است و با ترک آن، [موضع] زشت می‌شود، پس زدودن آن مستحب شده است، و با هر چیزی که صاحبش آن را بزداید، اشکالی ندارد؛ زیرا مقصود زدودن آن است. به ابی‌عبدالله (یعنی امام احمد) گفته شد: آیا به نظر شما جایز است که مرد موی زهارش را با مقراض (یعنی قیچی) بگیرد، هرچند کامل آن را از ته نزند؟ گفت: امیدوارم که کفایت کند، ان شاء الله». المغنی (۱/۶۵).

نووی رحمه الله می‌گوید: «و اما «استحداد» همان تراشیدن عانه است، و استحداد نامیده شده به دلیل استعمال حدیده یعنی

تیغ، و این کار سنت است، و منظور از آن نظافت آن موضع است، و افضل در آن تراشیدن است، و با کوتاه کردن و کندن و نوره نیز جایز است.... اما [کندن موی زیر بغل] به اتفاق علما سنت است، و افضل در آن کندن است برای کسی که توان آن را دارد، و با تراشیدن و نوره نیز حاصل می‌شود، و از یونس بن عبدالاعلی حکایت شده که گفت: بر شافعی ـ رحمه الله ـ وارد شدم و نزد او آرایشگر در حال تراشیدن موی زیر بغلش بود، پس شافعی گفت: می‌دانم که سنت کندن است، اما توان و تحمل دردش را ندارم». شرح مسلم للنووی (۳/۱۴۹).

والله أعلم.